

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

طنز

فرستنده : عنایت و همن
دهم آگست ۲۰۱۴

شعری ست که برای طبع آزمائی و درد دل خودمانی سروده شده است؛ اگرچه نمونه های شبیه آن در هر جامعه ای دیده میشود.

عنایت

همسر م میگفت

همسر م میگفت بد جوری هراسانم همش
حال و روزم از لحاظ روحی اصلاً خوب نیست
صبح، بی بی گل برایم یک خبر آورده بود
عاقبت تصویب شد قانون تجدید فراش
مثل سیر و سرکه میجو شد دلم، دلواپسم
همسر خوبی نبودم، میپذیرم کاملاً
مرد دیگر آن زن خودخواه لوس بی ادب
بوده ام و لخرج تا امروز اما بعد از این
هرچه میخواست برایم میپزم عالیجناب
جای کافی شاپ و استخر و سونا و سینما
جیغهایم، نعره هایم، اخمهایم را ببخش
نیستی آش دهنسوزی، ولی با این همه
گفتم ای یارم، نگارم، همسر م، اصلاً نترس

در پی آئینه بین و فال و فنجانم همش
هیچ میپرسی چرا در پای قلیانم همش؟
از همین رو با تأسف، کله جنبانم همش
دارم احساس بدی، غمگین و نالانم همش
چون که با اسم هوو میلرزد این جانم همش
خاطرت آسوده باشد فکری جبرانم همش
بعد از این یک خانم خوش خلق و مامانم همش
در پی کفش و لباس و کیف ارزانم همش
قُرْمه سبزی یا فسنجان؟ تحت فرمانم همش
بیشتر پیش شما در خانه م مانم همش
یک مریضی بود و فعلاً تحت درمانم همش
بی شما حس میکنم در سطر پایانم همش
کاسبیها را کد و در اوج بحرانم همش

بنده فکر پاس چک هامم نه تجدید فراش هیچ میپرسی چرا سر در گریبانم همش
ازواج این روزها آن هم مجدد، ساده نیست
تازه از آن بار اول هم پشیمانم همش